

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

۱۹ مارچ، ۲۰۲۵

ملالی موسی نظام

ده سال از جنایتی شرم آور در آستانه تجلیل از سال هجرت پیغمبر میگذرد
این حادثه فجیع بنیاد حقوق زن را از ریشه نابود نمود



زنم که ناله من خفته در گلوی منست زنم که شام سیه صبح آرزوی منست
نادیه انجمن، زنی که سبانه بدست شوهر به قتل رسید

در شب و روزیکه مردم افغانستان برای تجلیل از سال نو هجری شمسی به استقبال از نوروز باستانی، سردی و تاریکی زمستان را پشت سر میگذاشتند، حادثه دلخراش و غیر انسانی ایکه از شنیدن آن لرزه بر اندام هر انسان، افغان و مسلمان می افتد، شهر کابل را در خود فرو برد. بلی در همین پایتخت افغانستان که چند ماه قبل با هزار مشکلات مردمش از زن و مرد با رنگ کردن انگشت خواستند به جهانیان نشان دهند که شعور سیاسی و آگاهی به حقوق شان را دقیقاً جنگ ها و بدبختیها به آنان آموخته و حال گوشه هایی از دیموکراسی را با دادن رای تجربه می نمایند، زن مظلومی در حالت غیرعادی و نهایت فجیع «متهم» به سوختاندن اوراق قرآن مجید میگردد و بدون مداخله قوای امنیتی، بدست گروهی جنایتکار از خدا بیخبر با شرائط غیر قابل تصویری ابتداء سبانه به قتل میرسد و بعد جسدش به آتش سپرده میشود. آفرین به انسان متمدن

و قضاوتی که «اجرای» چنین عدالت سخیفانه ای را در قبال داشته است. خبر استخوان سوز در همان آوان بصورت پراکنده چنین نشر شده است:

((مقام‌های امنیتی در کابل می‌گویند که مردان خشمگین در مرکز شهر کابل، یک زن را که گفته شده قرآن را آتش زده بود، کشتند و بعد جسدش را سوزاندند.

شمار زیادی از کاربران فیسبوک که ویدئوهای این حادثه را دیده‌اند، از کم کاری پلیس شاکی اند. صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله افغانستان به بی‌بی‌سی گفت که بخشی از تحقیقاتی که آغاز شده مربوط به عملکرد پلیس در ارتباط با ماجرای کشتن و سوزاندن فرخنده می‌شود. تلویزیون‌های خصوصی در کابل تصاویری از جسد سوزانده شده این زن را منتشر کرده اند. در ساعت نخست این حادثه، صالح محمد، فرمانده یکی از حوزه امنیتی پایتخت افغانستان به بی‌بی‌سی گفت: "این حادثه زمانی روی داد که یک زن، نسخه ای از قرآن را به آتش کشید و ده ها تن از رهگذران با سنگ و چوب به او حمله کردند و او را کشتند." او گفت که پلیس در محل نتوانسته مانع اقدام مردان خشمگین شود.

ویدئوهایی از جریان لت و کوب و سپس سوزاندن جسد این زن در شبکه‌های اجتماعی مخصوصاً فیسبوک به شکل گسترده‌ای منتشر شد که می‌شود که پلیس کاری انجام نمی‌دهد.

یکی از شاهدان عینی محل حادثه به بی بی سی گفت: "آنها «مردم» او را لت و کوب کردند و کشتند بعد جسدش را به رودخانه «بستر خشک رودخانه» انداختند و سوزاندند. آتش نشان‌ها بعداً آمدند و آتش را خاموش کردند و جسدش را بردند".

تلویزیون طلوع به نقل از خانواده زن کشته شده گفته که نامش فرخنده است و در ۱۶ سال گذشته مشکل روانی داشته است. خانواده این زن به تلویزیون طلوع گفته اند که او هرگز قصد سوزاندن قرآن را نداشت.))

این بود شمه ای از چنین جریان اسفباری که در کابل، پایتخت افغانستان با موجودیت بیشمار قوای امنیتی و سالها آموزش و تربیت و وظیفه شناسی آنان در حفظ امنیت و پشتیبانی از مظلوم «زنی بی دفاع»، به مقابل مثنی ظالم «ددمنشانی که در لباس انسان» ظاهر گردیده بودند، در روز روشن رخ داد! درین جریان یقین است که ده ها مأمور پلیس مسلح منحیث سیر بین اعمال غیر انسانی و وحشیانه گروه آدم کش وحشی را نظاره مینمودند. اگر عدالتی را انتظار میداشتیم، اولتر این آدمک های ترسوی یونیفورم پوش را باید مورد مواخذه و بازخواست قرار میدادیم و بعد به سراغ چهره های شناخته شده ای در کرسی های مختلفه دولت افغانستان می رفتیم که آبرو نا دیده، موزه از پا در آورده اند. بلی از باور و انصاف بدور است که از صاحب منصب وزارت داخله تا خانه نمایندگان ملت و مؤظفین پیشبرد امور دولت، اشخاصی که در

کرسی های نشان دار و نامداری لم داده اند، هرگز ندانستند که هر عمل سوئی که در اجتماع رخ میدهد، آخرین مرحله عدالت و بازخواست جزای مجرم است که به حکم محکمه با صلاحیت جرم وی تثبیت شود، یعنی که با تعصب و عجله جاهلانه شان اجازه درک این ماده قانون را برای خود ها ندادند که «برائت حالت اصلی است، مگر اینکه به حکم محکمه با صلاحیت، ضد آن به اثبات مجرم بودن متهم صادر شود.» دردا که زنانی را هم مشاهده گردیدند که بی خردانه و ظالمانه بر مسند قضاوت تکیه داده و حکم صادر مینمودند.



مراسم تدفین فرخنده شهید توسط اهالی کابل

حال میرویم به سراغ قانون شکنان متعصبی در آن عصر گویا دیموکراسی «!؟» که دست عمال جنایتکاران «داعش» را از پشت بستند!

((زلمی زابلی، رئیس کمیسیون شکایات مجلس سنای افغانستان، در صفحه فیسبوکش عکس چهره خونین فرخنده را گذاشته و نوشت: " این همان چهره وحشتناک کسی است که امروز هموطنان ما او را به سزای اعمالش رساندند و ثابت کردند که افغانها تنها خواهان کشور خود و اسلام هستند. استعمار، ارتداد و جاسوسان را نمی توانند تحمل کنند".

سیمین حسنزاده، معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، در یک پست مرتبط فیسبوکی نوشت: "هیچ نیرویی در برابر ایمان راسخ مردم مان تاب مقاومت ندارد. با جان و دل از باورهای دینی مان پاسداری خواهیم نمود." او سپس از آیه ای از قرآن را نوشته که می گوید ما «خدا» خود قرآن را نازل کردیم و از آن حفاظت می کنیم..... ولی تلاش بی بی سی برای گفتگو با خانم حسن زاده به نتیجه نرسید.

حشمت استانکزی، که به عنوان سخنگوی پلیس کابل با رسانه ها صحبت می کرد در مورد کشتن و سوزاندن «فرخنده» در فیسبوکش نوشت: "این هم «فرخنده» فکر کرده بود مانند چند تن مرتد

دیگر با این نوع عمل و توهین، تابعیت آمریکا و اروپا را به دست می‌آورد اما قبل از رسیدن به هدف، جان خود را از دست داد. به دوستدارانش تسلیت می‌گویم."

بعداً افسر پلیس در صفحه فیسبوکش از مردم پوزش خواسته و گفته که رسانه‌ها خبر را به گونه دیگری گزارش داده بودند، اما حالا "واقعیت" را میداند ازین موضوع اندوهگین «؟!» است. شخصی به اسم شرف بغلانی در صفحه فیسبوکش نوشت که در قتل و سوزاندن "زن بی دین" دست داشته است. پلیس بعداً این فرد را بازداشت کرده است.

شمار زیادی هم گفته اند که دولت برای حفظ اعتبارش، برای تداوم قانون، جلوگیری از "فرهنگ داعشی" در میان مردم، باید با عاملین این رویداد جدی برخورد کند.))

این زن بینوا که «فرخنده» نام داشت به شهادت فامیل مظلومش گویا از ۱۶ سال به اینطرف از مریضی روانی رنج میبرد که اتهام سوزاندن قرآن پاک که اثبات هیچ ورق آن هرگز بدست نیامد، هم به روش این بخت برگشته مظلوم و مرض تجرید حواس و عقل وی مربوط میگردد. درین ماجرای آسف بار اولتر وظیفه پلیس بود که فوراً و به کمک همکاران دیگر، از آغاز عمل و عکس العمل وظیفتاً با درایت و استعمال فیر های هوایی مردم را متفرق نموده و مجروح را از چنگ ددمنشان «نجات» می داد، در حالیکه بیشمار عکسها نشان میدهد که اقدام پلیس سرسری و غیر مسئولانه بوده و گویا ضاربین- قاتلین و مضروب را بحال شان رها نموده و به سیر بینان پیوسته اند.

باید متذکر شد که جنایتی چنین مرد سالارانه و دور از شرافت و اخلاق انسان متمدن، مسلمان و افغان متعهد به اصول و قانون رخ داد که حتی در شورای امنیت ملل متحد از آن با افسوس و ناباوری یاد گردیده است، دولت آن عصر افغانستان، مخصوصاً قسمت اجرایی آن وظیفتاً عمال درگیر درین سلاخی بیشرمانه انسانی را باید به جزای اعمال ناروای آنان میرسانید. بلی، پسندیده می بود که با پیروی از حکم اعدام جنایتکاران حادثه قرغه، این متعصبینی را که چشم انصافشان را شاید تعصب و جهل کور نموده بود، به مجازات مشابه محکوم نموده و در حضور مردم به مرحله اجرا قرار میداد.

البته هر روز با شهادت مردم، عکاسی های گوناگون و افشای حقایق درین قضیه غیر انسانی مدهش، حقایق تلخی در زمینه این ماجرای استخوان سوز افشا و برملا می گردید که با ناباوری و افسوس، لکه های بیدادگری و ظلم دائمی را بر زن مظلوم افغان به اثبات میرساند. اینک خبر دردناکی در مورد قضیه، نقل از سایت ارزشمند «دعوت-افغان میدیا»:

آقای عصمت قانع در رابطه به سانحه غم انگیز دیروز، امروز صبحگاهان به محل واقعه رفته و حکایت ذیل را بیان داشتند:

” همین اکنون از ” شاه دو شمشیره ” برگشتم، هیچگونه شواهدی دال بر آنکه کسی قران شریف را آتش زده باشد، وجود ندارد.

یک مجاور جادوگر، تعویذ را به خانمی به اسمی «فرخنده» ترتیب داده و گفته بود که جوانی به نام شاه آقا بالای او عاشق می شود و خواستگار می فرستد. مجاور جادوگر در بدل «تعویذ» مذکور ده هزار افغانی از «فرخنده» نام دریافت داشت و ضمانت نموده بود که هرگاه تا ده روز «تعویذ» اثر گزار واقع نشود، بیاید و پولش را پس بگیرد!

در این میان یک ماه سپری شد و «تعویذ» هیچ اثری نکرد. فرخنده دیروز رفته بود تا پول خود را از مجاور واپس بگیرد...

حین گفتگو میان مجاور جادوگر و «فرخنده» مشاجره لفظی رخ میدهد، زن «تعویذ» را بالای شعله های اشتوپ گازی میاندازد. ملا در اینوقت فریاد سر میدهد که زن قران را آتش زد...)) این بود جریان فاجعه درد آوری از پایتخت افغانستان که روبروی مسجد و زیارت با عظمت «شاه دو شمشیره ولی» که ارزش تاریخی دارد و هزاران مراسم مذهبی و مجالس فاتحه با اشتراک صد ها هزار هموطن در اعصار مختلفه در صحن آن صورت گرفته، دور از کرامت انسانی و اخلاق پسندیده بشری و اسلامی و افغانی واقع شده است. هرگز هیچ اثباتی و تصویری از سوختاندن اوراق قران عظیم الشان صورت نگرفت که بتواند که علت اقدام به این جنایت فجیع را برای مردم بیان نماید.....جنایتی که با کور مغزی و قضاوت جاهلانۀ زن ستیزی، با بیرحمی عصر بربریت سازمان دهی گردید و دردا که اولیای امور وابسته به فیس بوک ها و مطبوعات هم دست از پا دراز تر درین فاجعه غیر انسانی حصه گرفتند.

با وقوع چنین حوادث شرم آور و عکس العمل های دور از کرامت انسانی، چگونه باید از نوروز و سال نو به خوشی استقبال میگردید و با توانمندی از آغاز ورق دیگری از هجرت پیامبر اسلام به پیش میرفت.

جریان فعالیت هایی به نام «قانونمندی، عدالت و بازخواست» آنقدر اُسفناک و دور از انصاف است که در پایان کار و سپری گشتن ماه و سالی، هیچ مجازات و عدالتی که در خور چنین ظلم و بیدادگری فجیعی باشد، به وقوع نپیوست... مجرمینی که جرم شان اثبات هم گردید به رشوه و واسطه های قوی به خارج فرار نمودند و قصه دختر مظلوم و جنایتی چنان دهشت افزین و خونین به فراموشی سپرده شد. هیئات!!

نوت: راپور های مختلفه از بی بی سی و مطبوعات گوناگون افغانی در همان زمان اقتباس گردیده است.